



اولین همایش ملی معماری، مرمت، شهرسازی و محیط زیست پایدار ۲۸- شهریور ۱۳۹۲



رویکرد جامع نگری در راهکارهای معماری اسلامی

«از مشربیه در خانه های عربی تا ارسی در خانه های ایرانی»

سمیه امیدواری، الهام امیدواری

دانشگاه علم و هنر جهاد دانشگاهی استان یزد - 15

omidvari660@yahoo.com

چکیده

مشربیه و ارسی دو عنصر کالبدی و فضایی در معماری خانه های عربی و ایرانی در سرزمین های اسلامی می باشد که نقطه عطف و وجه تمایز خانه های مختلف این دو منطقه از یکدیگر می باشند. این دو عنصر کالبدی و فضایی علاوه بر آنکه پاسخ دهنده به وجوه مختلف نیازهای عملکردی انسان بوده است از سویی پاسخ دهنده به وجوه نیازهای آرامشی و وجوه نیازهای زیبایی شناسی انسان نیز می باشد.



این مقاله در پی آن است که با نقد بینش و نگاه سکولار حاکم بر انسان معاصر و به تبع آن بر معماری معاصر، رجوع معماری امروز را جهت خارج شدن از بحرانهایی که معماری امروز را فرا گرفته به معماری اسلامی و معماری بومی مناطق نسبت دهد. چرا که این معماری به دلیل تداوم در طول حیات خود و سابقه عقل تاریخی، در معرض آزمون و خطاهای بسیاری در طول تاریخ قرار گرفته است که نتیجه آن توانسته به راهکارهایی دست یابد که پاسخ دهنده به وجوه مختلف نیازهای متفاوت مخاطبین در گذر زمان بوده اند و در عین حال که در پاسخ به نیازهای آسایشی و عملکردی انسان بوده، در درون خود توانسته اند به نیازهای آرامشی و وجوه زیبایی شناسی انسان نیز پاسخگو باشند.

این مقاله در نظر دارد با معرفی هر یک از این دو عنصر کالبدی و فضایی در معماری کشورهای اسلامی و بررسی اشتراکات و افتراقات آنها به بررسی جامعیت نگاه در رویکرد معماری اسلامی و بومی بپردازد و اینکه این معمار چگونه می تواند با نگاهی جامع در زندگی و به تبع آن در معماری دست یابد که در عین حال که به نیازهای آسایشی انسان جواب می دهد پاسخگو به نیازهای آرامشی و زیبایی شناسی انسان نیز باشد.

کلمات کلیدی: معماری اسلامی، مشربیه، ارسی، قابلیت

1- مقدمه

تغییر نگرش انسان امروز (انسان ما بعد از رنسانس) نسبت به جایگاه خویش در هستی و نسبت او با کل عالم؛ تبعات و آسیب های جدی برای وی به همراه داشته است. این انسان که روزی خداوند را در مرکز جهان تصور می کرد و خود و همه استعدادها و تواناییهایش را در جهت تقرب به وی بکار می برد، اکنون خود را در مرکز جهان تصور می کند و همه تلاشش در جهت بهره بردن هرچه بیشتر، از این عالم خاکی بوده است. لذا بهره بیشتر این انسان از طبیعت و زمین او را در عالم مادیات غرق کرد و تفکر مبتنی بر ماده و سودانگاری زیاد، اندیشه تکنرگرای و سکولاریزم را برای او به همراه آورده است.

به دنبال این تغییر نگاه، جامعه امروز با بحرانهایی بسیاری در درون خود مواجه شد؛ بحران زیست محیطی، بحرانهایی اخلاقی، بحران انرژی، بحران هویت، بحران معماری و غیره. اما در دهه های اخیر اندیشمندان و نظریه پردازان بسیاری جهت فائق آمدن بر این بحرانها فراخوانده شدند و تمام تلاش خود را در جهت ارائه راهکارهای خارج شدن از این بحران ارائه دادند. اما غالباً بی آنکه در اصل بحران تامل کنند و به آسیب شناسی صحیح این بحرانها دست یابند در پی دستیابی سریع به راه حل هایی برای رفع این بحرانها کوشیدند.

در حوزه معماری نیز به دنبال نگاه سکولاریسم، معماری نیز به ابعاد مختلف تجزیه یافته و لذا هر کس از منظری خاص به انسان نگرسته و در پی حل مشکلات وی برآمده. معماری " مدرن "، فرمها را رها کرده و شعار فرم از عملکرد تبعیت می کند را فریاد می زند و لذا در این معماری تمام تلاش خویش را در جهت پاسخ به نیازهای عملکردی و آسایشی انسان معطوف می دارد. لذا به دلیل